

فرزندان و نقش آموزشی - تربیتی والدین

علی احمد پناهی *

چکیده

در آموزه های دینی در رابطه با نقش تربیتی والدین نسبت به فرزندان، توصیه های ارزشمندی بیان شده است. آموزش و تربیت فرزندان و بستر سازی برای رشد معنوی و دینی و اجتماعی آنان، مورد تاکید جدی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر که با هدف تبیین وظایف آموزشی و تربیتی والدین در رابطه با فرزندان انجام شده، از روش توصیفی، تحلیلی و استنباطی بهره گیری شده است زیرا در این پژوهش در صدد هستیم به بررسی، توصیف و تحلیل کیفی آموزه های اسلامی در رابطه با نقش تربیتی و آموزشی والدین بپردازیم. پرسش اصلی در این تحقیق این است که در آموزه های دینی چه توصیه هایی در رابطه با نقش تربیتی و آموزشی والدین در رابطه با فرزندان وجود دارد. با تتبع و دقتی که در آموزه های دینی صورت گرفت مشخص گردید که توصیه های ارزشمندی همچون؛ انتخاب نام نیک، ادب آموزی، آموزش آداب غذا خوردن، آموزش نماز، آموزش اخلاق اجتماعی، آموزش مهارت های زندگی، آماده کردن در مقابل شبهات اعتقادی و گردیده است.

واژه های کلیدی

نقش، تربیت، آموزش، آموزه های دینی، والدین، روان شناختی و مهارت.

* استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه apanahi@rihu.ac.ir

مقدمه

تربیت در لغت از ماده «رَبَّوْا» به معنای افزودن و رشد و نمو کردن آمده و در اصطلاح تعاریف متعددی از آن ارائه شده است و هر کس از زاویه ای به آن نگریسته و تعریفی خاص از آن داده است. یکی بر اساس هدف، دیگری بر اساس روش و سومی بر اساس تلفیقی از روش و هدف، تربیت را تعریف کرده اند که در این بحث نه مجال ورود به تعریف تربیت است و نه ضرورتی دارد. ولی در این جا تعریفی کلی که تا حد بسیاری پذیرفتنی است به عنوان مبنا و محور بحث ذکر می کنیم: «تربیت عبارت است از هر گونه فعالیتی که معلم، والدین یا هر شخصی به منظور اثر گذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر بر اساس اهداف از پیش معین شده انجام می دهد» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲: ۱۶۷).

برای تحقق تربیت به خصوص تربیت اسلامی و دینی، بهترین بستر خانواده و والدین هستند. خانواده می تواند سالم ترین، مطمئن ترین و کارآمدترین روش ها و الگوهای تربیتی را در رابطه با اعضای خود، ترسیم و عملیاتی کند. والدین، به عنوان ارکان اصلی و اولیه شکل گیری خانواده، نقشی بنیادین و حیاتی در شکوفایی، بالندگی، موفقیت و کارآمدی آن دارند. اگر چنانچه این دو عنصر وظایف و نقش های واگذار شده و متناسب خودشان را انجام ندهند، نظام خانواده با مشکلات عدیده ای روبه رو خواهد شد. در آموزه های حیات بخش اسلام، وظایف متعددی متوجه والدین است که بایستی در راستای تربیت و آموزش فرزندان، به آن ها التزام داشته باشند. در پژوهش حاضر سعی شده به قسمتی از وظایف تربیتی و آموزشی والدین پرداخته شود و تبیین گردد.

وظایف آموزشی و تربیتی والدین

نقش آموزشی و تربیتی والدین از نقش های مهم و اساسی است که آثار زیادی در استحکام خانواده و همچنین در پیشرفت مادی و معنوی فرزندان دارد. التزام به نقش آموزشی و تربیتی از زمان تولد فرزندان و حتی قبل از آن آغاز می گردد. تفکیک وظایف پدر و مادر از یکدیگر در ایفای نقش آموزشی و تربیتی بسی مشکل است، گرچه می توان در مواردی آن را تفکیک کرد. در این قسمت از بحث به نمونه هایی از وظایفی که مربوط به نقش آموزشی و تربیتی والدین به خصوص وظایف پدر است اشاره می گردد:

الف) گفتن اذان و اقامه در گوش فرزند

یکی از کارهای پسندیده و دارای ثواب، این است که بعد از به دنیا آمدن فرزند، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفته شود، این کار بدون شک آثار روحی و تربیتی زیادی در نوزاد دارد و در واقع اولین محرک صوتی که به سیستم روانی او وارد می شود، ذکر خدا و نام نورانی حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) است. این اسماء و کلمات نورانی در روح و روان کودک منعکس می شود و فطرت خداجوی او را سیراب می کند و بستر را برای گرایش به معنویت و خدامحوری آماده تر می سازد. پیامبرگرامی اسلام در این باره می فرمایند: مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَدِّهِ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ لِيَقِمَ فِي أُذُنِهِ الْيُسْرَى فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۴۰۵/۲۱)

کسی که صاحب فرزند شود، در گوش راستش اذان بگوید و در گوش چپش اقامه، چراکه این عمل، فرزند را از شر شیطان مصون می دارد. در آموزه های روان شناختی نیز می توان به تحلیل زیبایی در این زمینه پرداخت از جمله این که صاحب نظران روان شناسی

جنین‌افکنی (سقط جنین) و داشتن کودکان نارس در امان‌اند. همچنین، مادرانی که رژیم غذایی ناقصی دارند، فرزندشان به کم‌وزنی، اختلال در رشد مغزو امواج مغزی نابهنجار دچار می‌شوند و مرگ و میر در فرزندان آنان بسیار است. (پاول هنری ماسن، ۱۳۶۸: ۷۴).

تحقیقات دانشمندان نشان می‌دهد که سوء تغذیه مزمن و نادرست مادر در دوران بارداری و بعد از آن سبب می‌شود که سلول‌های مغزی نوزاد بیست درصد کمتر از سلول‌های مغزی نوزادان عادی باشد. همچنین، سوء تغذیه مادر در رشد ذهنی و جسمی و عقلی کودک، اختلال می‌آفریند و نوزادانی که مادرشان تغذیه مناسب نداشته‌اند، به گوشه‌گیری و تحریک‌پذیری بسیار و مرگ دوران جنینی مستعدترند. پژوهشی نشان می‌دهد که میان مصرف برخی ویتامین‌ها و رشد دوران جنینی رابطه‌ای هست و برخی ترکیبات غذایی مادر می‌تواند جلو برخی ناهنجاری‌ها را بگیرد. (پاول اس. کاپلان، ۱۳۸۳: ۲۳۱-۲۳۲).

در دستورهای بهداشتی اسلام و آموزه‌های دینی نیز به خوردن برخی میوه‌ها و غذاها در دوره بارداری سفارش شده است که این غذاها در زیبایی و رشد اخلاقی و سلامت و رشد ذهنی تأثیر دارند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «أَطْعِمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَ فَإِنَّ وَكَلَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۶/۳۸۴). زنان آبستن در آخرین ماه‌های بارداری خرما بخورند تا فرزندانشان خوش‌اخلاق و بردبار شوند.

همچنین، در توصیه‌های دینی سفارش شده است که به زنان باردار میوه "به" بخورانید؛ زیرا این میوه سبب زیبایی چهره، افزایش عقل و هوش و همچنین سبب خوش‌اخلاقی فرزندان می‌شود. قال رسول‌الله (ص): كَلُوا السَّقَّرَجَل... فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَوْلَادَكُمْ.... وَفِي رِوَايَةٍ قَالَ يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ (همان: ۴۰۱). وقال الرضا (ع): عَلَيكُمْ

اعتقاد دارند، نوزادی که تازه به دنیا آمده صداها را می‌شنود و این صداها را می‌شناسد و واکنش نشان می‌دهد و دیگر این که بر اساس نظر پیازه، محرک‌های محیطی از جمله محرک‌های صوتی و دیداری در شکل‌گیری روان‌بنه‌های اولیه تأثیر دارند و کیفیت شکل‌گیری روان‌بنه‌های اولیه در شناخت‌های بعدی نوزاد و کودک تأثیر دارد. (ر.ک: محمود منصور، ۱۳۸۶: ۱۳۹ و پاول اس. کاپلان، ۲۸۰: ۱۳۸۳-۲۸۱). ویلیام سیرز می‌گوید صداها و آوازهایی که در دوره درون رحمی برای کودک خوانده می‌شود در ذهن و روان او نقش می‌بندد و تأثیر گذار است؛ او توصیه می‌کند: «با کودک صحبت کنید و برایش آواز بخوانید. برای کودکی که در رحم دارید خاطره‌های خوش ایجاد کنید. بررسی‌ها نشان داده است که کودکان بعدها به صداها آشنایی که در دوران زندگی در رحم مادر شنیده‌اند و به صدای کسانی که با آن‌ها صحبت کرده‌اند و برایشان آواز خوانده‌اند، عکس‌العمل نشان داده‌اند». (سیرز، ۱۳۶۹: ۲۰). می‌توان نتیجه گرفت که وقتی اسمای نورانی خداوند و اولیای خدا در کلمات اذان برای کودکان خوانده می‌شود، ذهن کودک در فضای نورانی و کلمات معنوی قرار می‌گیرد و در شناخت‌های بعدی او تأثیر خواهد داشت. همچنین با مفاهیم دینی و معنوی آشنا شده و در بزرگسالی به آن‌ها علاقه و رغبت نشان می‌دهد.

ب) برداشتن کام کودک با تربیت امام حسین (ع) یا خرما
مادری که در انتظار برخورداری از فرزندی سالم و زیبا و باهوش است باید رژیم غذایی مناسبی داشته باشد. زنانی که رژیم غذایی خوبی دارند، هم خود و هم نوزادشان، در مقایسه با کسانی که رژیم غذایی نامناسب دارند، در مجموع سالم‌ترند. این زنان به‌طور معمول از بیماری‌هایی مانند کم‌خونی، مسمومیت حاملگی،

بِالسَّقَرِ جَلٍ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ (همان: ۴۰۲).

پیامبر اکرم (ص) در روایتی دیگر می‌فرمایند: مَا مِنْ امْرَأَةٍ حَامِلَةٍ أَكَلَتْ الْبَطِيخَ لَا يَكُونُ مَوْلُودُهَا إِلَّا حَسَنًا الْوَجْهَ وَالْخُلُقَ (همان: ۲۱۴/۱۵). «اگر زنان حامله خربزه بخورند، فرزندان‌شان زیبا و خوش‌خلق می‌شوند».

به دلیل تاثیرات غذایی در حالات روحی و روانی و جسمی کودک است که در روایات توصیه به کام برداشتن (تحنیک) با خرما یا تربت امام حسین (ع) شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: حَنَكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ (ع) فَإِنَّهُ أَمَانٌ؛ (همان، ص ۱۳۹). «کام فرزندان خود را با تربت حسین بن علی (ع) بردارید که مایه ایمنی کودک خواهد بود». حضرت علی (ع) نیز می‌فرماید: حَنَكُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْتَّمْرِ وَ هَكَذَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (ع)؛ (حرع‌املی، ۱۴۱۲: ۱۳۸/۱۵). «کام فرزندان خود را با خرما بردارید، زیرا پیامبر (ص) کام امام حسن و امام حسین (ع) را با آن برداشت».

کام برداشتن با تربت و خرما علاوه بر آثار تربیتی و روان‌شناختی که در کودک دارد، باعث تقویت عضلات دهان نوزاد گردیده و باعث می‌شود تا فک بالا و پایین نوزاد تقویت شود و برای مکیدن سینه مادر آمادگی داشته باشد.

ج) ختنه کردن نوزاد

فراهم کردن تمهیدات لازم برای رشد مادی و سلامتی جسمی فرزند، زمینه‌ای است برای پیشرفت در سایر عرصه‌ها. ختنه کردن کودک یکی از این آداب است که در آموزه‌های دینی مورد توجه جدی قرار گرفته است. توصیه شده این سنت حسنه روز هفتم نوزادی انجام گیرد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: أَخْتِنُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ فَإِنَّهُ أَطْهَرُ وَ أَسْرَعُ نَبَاتًا لِلْحَم

وَأَرْوَحَ لِلْقَلْبِ؛ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۶۵/۱۵). «فرزندان خود را در روز هفتم تولد ختنه کنید زیرا این عمل برای نوزاد، پاکیزه‌تر و در رشد جسمانی او، مؤثرتر و مایه طراوت بیشتر روح می‌شود». در این روایت شریف علاوه بر این که توصیه به انجام ختنه در روز هفتم ولادت شده به آثار تربیتی و بهداشتی و جسمانی آن نیز اشاره شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که ختنه آثار بهداشتی و جسمانی و روان‌شناختی دارد. در افرادی که ختنه شده اند سرطان پروستات در آنان کمتر است و همچنین از نظر علمی ثابت شده که زمینه‌های انعقاد خون در روز هفتم ولادت مهیاتر و به حد بالای خود می‌رسد و در نتیجه اگر ختنه در این روز انجام گیرد، خونریزی کمتر خواهد بود (داودی و حسینی زاده، ۱۳۹۱: ۶۱).

د) انتخاب نام نیک

از سنت‌هایی ارزشمندی که در آغاز تولد نوزاد مورد توجه پدر و مادر قرار می‌گیرد مسأله انتخاب نام است. انتخاب نام مسأله ساده‌ای نیست. پدر و مادر باید فکر کنند که این نوزاد در آینده به‌طور مستمر با این نام سروکار خواهد داشت. پدر و مادر و دیگران او را با این نام صدا خواهند کرد و نام وسیله‌ای برای توجه به شخصیت طفل خواهد بود. اگر اسمی ناپسند و ناخوشایند مردم باشد، بی‌شک مورد تمسخر قرار می‌گیرد و اسباب رنج روحی و آزرده‌گی خاطر کودک خواهد شد. طبیعی است که کودک علل این ناراحتی‌ها را انتخاب غلط پدر و مادر بداند. از این رو باید دقت کرد تا از نام‌های خوب استفاده شود. همچنان‌که در روایات توصیه گردیده برای فرزندان خود از بهترین نام‌ها استفاده کنید و بهترین نام‌ها آن است که نشانه بندگی و عبودیت پروردگار و یادآور فضایل و مکارم

قُمْ يَا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ لَا نُورَ لَكَ (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۲۱/۳۱۹). نام‌های خود را نیکو گردانید، زیرا در روز قیامت با همان نام خطاب می‌شوید که ای فلان فرزند فلان بر خیز و به سوی نور خود گام بردار و ای فلان فرزند فلان بر خیز که نوری نداری».

توضیح: البته جای تردید نیست که الفاظ و اسامی هرچند نیکو و پسندیده باشد نمی‌تواند به تنهایی آدمی را سعادت‌مند گرداند و مقصود از روایات گذشته این است که نام‌های نیکو زمینه روانی و تلقینات روحی و اجتماعی مثبتی فراهم می‌کنند که اگر شخص صاحب نام در افق آن قرار گیرد و به اخلاق والای پیامبر اکرم (ص) و سیره اهل بیت (ع) آراسته گردد، به حقیقت پیوسته و راه بهشت را به روی شخص می‌گشاید. علاوه بر این که اسامی زیبا باعث می‌شود که در میان هم‌سالان و دوستان محبوبیت پیدا کند و در سایه محبوبیت به اعتماد به نفس بالا و خود ارزشمندی برسد. روان‌شناسان اعتقاد دارند که نام نیکو از یک‌سو فضای روان‌شناختی مناسبی در کودک ایجاد می‌کند که تأثیر بسیاری در تحقق الگوی ایمنی‌بخش دارد (بر اثر احساس رضایت، عزت نفس، اعتماد به نفس و خودپنداره‌ای که از نام نیکو و لوازم آن ناشی می‌شود) و از سوی دیگر نام فرزند، ابزار و واسطه کلامی است. نام نیکو می‌تواند احساس رضایت و کرامت را در والدین اشباع کند و انتقال این احساس به فرزندان الگوی ایمنی‌بخش را تثبیت می‌کند. (آذربایجان‌ی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۸۵).

ه) ادب‌آموزی

یکی از مسائل بسیار مهم در زندگی هر انسانی، این است که نسبت به تربیت فرزندان خود احساس مسئولیت کند و در ادب‌آموزی آنان اهتمام ورزد؛ این حقی از حقوق فرزند بر والدین است و یکی از نقش‌های تربیتی همسران ادب‌آموزی می‌باشد. «مراد از

اخلاقی باشد، بدین منظور نام‌های انبیا و صلحا و نیکان و همچنین نام‌های امامان معصوم و فاطمه زهرا (س)، که احیای گوشه‌هایی از فرهنگ و شعائر اسلامی است، مناسبت بسیار دارد.

ابن عباس از پیامبر (ص) نقل کند که فرمود: حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ؛ (هندی، ۱۴۰۹: ۱۶/۴۷۷). «حق فرزند بر پدر آن است که: نام خوبی بر او بنهد و به بهترین شکل تربیتش نماید».

علی (ع) فرمود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ أَوْلَ مَا يَنْحَلُ أَحَدُكُمْ وَوَلَدَهُ الْأَسْمُ الْحَسَنُ فَلْيُحَسِّنْ أَحَدَكُمْ اسْمًا وَوَلَدِهِ؛ (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۵/۱۲۲). «پیامبر فرمود: اولین هدیه‌ای که هر یک از شما به فرزندش می‌بخشد نام خوب است. پس بهترین نام را برای فرزند خود انتخاب کنید».

موسی بن بکر از حضرت ابوالحسن (ع) نقل می‌کند: أَوْلُ مَا يَبْرُّ الرَّجُلُ وَوَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِ حَسَنٍ فَلْيُحَسِّنْ أَحَدَكُمْ اسْمًا وَوَلَدِهِ (همان: ۱۲۶). «اولین نیکی و احسان مرد به فرزندش آن است که نام خوب برای او انتخاب کند. پس برای فرزندان خود از بهترین نام‌ها استفاده کنید».

محدث نوری در مستدرک گوید: وَفِي الْخَبَرِ أَنَّ رَجُلًا يُؤْتَى فِي الْقِيَامَةِ وَاسْمُهُ مُحَمَّدٌ فَيَقُولُ اللَّهُ لَهُ مَا اسْتَحْيَيْتَ أَنْ عَصَيْتَنِي وَأَنْتَ سَمِيَّ حَبِيبِي وَأَنَا اسْتَحْيَيْتَ أَنْ أُعَذِّبَكَ وَأَنْتَ سَمِيَّ حَبِيبِي (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵/۱۳۰). «روایت شده که روز قیامت مردی را می‌آورند و نامش محمد است. از طرف خدا به او خطاب می‌شود که از من شرم نکردی و مرا معصیت کردی در حالی که هم‌نام حبیب من، رسول‌الله (ص)، بودی و من امروز شرم دارم که تو را عذاب کنم در حالی که هم‌نام حبیب من هستی».

امام صادق (ع) فرموده: اسْتَحْسِنُوا أَسْمَاءَكُمْ فَإِنَّكُمْ تَدْعُونَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُمْ يَا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ إِلَى نُورِكَ وَ

این‌ها عاملی برای عزت نفس و احساس عزت و رضایت درونی می‌گردد.

اخلاق خوب، خوش رفتاری، حسن ظن، نیت پاک داشتن، خوشرویی و تواضع، وفاداری و خیرخواهی، همگی از مصادیق و نموده‌های ادب است که باعث جلب محبت و دوستی می‌گردد (آذربایجانی، ۱۳۸۴: ۲۶۴).

بزرگی و کرامتی که در سایه رعایت ادب حاصل می‌شود، علاوه بر آثار مثبت اجتماعی و فرهنگی بسیار، مانع تمایل انسان به گناه و ارتکاب کارهای پست، و باعث جلوگیری از تنزل شخصیت افراد می‌شود؛ چه این که کسی که به کرامت و عزت نفس رسیده است، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شود این اعتبار و جایگاه را با انجام کارهای پست و بی‌ارزش ضایع کند. «عزت نفس، مارا از دست زدن به امور نامطلوب باز می‌دارد، ماهیت بازدارندگی دارد؛ همان‌طور که اعتماد به نفس، مارا به کارهای مطلوب و بزرگ، و روبه روشن شدن با مشکلات برمی‌انگیزاند و ماهیت ایجابی دارد. اگر بخواهیم فرزندان ما در بزرگسالی و در مواجهه با ناهمواری‌های زندگی، اعتماد به نفس خود را از دست ندهند، باید پایه‌های عزت نفس آنان را از کودکی محکم کنیم» (استنهاوس، ۱۳۷۹: ۱۲). حضرت علی (ع) نیز در این باره فرموده‌اند: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهْنَأْ بِالْمَعْصِيَةِ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۳۳۹) آنان که کرامت نفس دارند، هرگز با ارتکاب گناه آن را پست و موهون نمی‌کنند. و در روایتی دیگر فرمودند: «به خیر کسی که برای خود عزت و کرامتی قایل نیست، امیدوار نباش» (خوانساری، ۱۳۷۳: ۳۹۴).

از نگاه روان‌شناسانه می‌توان گفت که برخورداری از ادب باعث حس ارزشمندی و کرامت می‌شود و نیاز به کرامت و محترم بودن از نیازهای اساسی و عالی در انسان است. آبراهام مزلو (۱۹۷۰) یکی از روان‌شناسان

آداب، مجموعه‌ای از قاعده‌های رفتاری است که مشخص می‌کند افراد جامعه در موقعیت‌های خاص مثل غذا خوردن، لباس پوشیدن، مسافرت، در تعامل با بزرگترها، در برخورد با والدین و معلمان و غیره، باید چگونه رفتار کنند. (داودی، ۱۳۸۴: ۲ / ۲۶۲).

در روایات بی‌شماری از اهل بیت (ع) به این مهم اشاره شده است.

از حضرت کاظم (ع) چنین روایت شده: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا قَالَ تُحْسِنُ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ ضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۹۸ و ۱۲۳). «مردی دست فرزندش را گرفته به حضور پیامبر رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا! حق این فرزندم بر من چیست؟ پیامبر فرمود: نامی نیک برای او انتخاب کنی؛ تربیت نیکو گردانی؛ او را در جایگاه خوبی قرار دهی».

برخی درباره جمله سوم پیامبر گفته‌اند: ممکن است مقصود از جایگاه خوب، انتخاب همسر شایسته و صالح برای فرزند باشد. پیش از این نیز روایت‌های دیگری در باب انتخاب نام نیک و حسن تربیت فرزندان ذکر کردیم.

امام صادق (ع) می‌فرماید: وَ تَجِبُ لِلْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ اخْتِيَارُهُ لَوَالِدَتِهِ وَ تَحْسِينُ اسْمِهِ وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳ / ۷۵ / ۲۳۶). «حق فرزند بر پدر سه چیز است: دایه و مربی خوبی برایش انتخاب کند؛ نام خوبی برایش بگذارد و در تربیت او تلاش فراوان کند».

ایوب بن موسی از پیامبر (ص) روایت می‌کند که: مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَ لَدًا نُحْلًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۱۶۴ - ۱۶۵). «هیچ هدیه‌ای از طرف پدر به پسر بهتر از حسن ادب و تربیت نیکو نیست».

با نگاه تربیتی و روانشناسانه می‌توان گفت که ادب باعث ارزشمندی و جدابیت، روابط سالم و پایدار، مورد تکریم و تشویق قرار گرفتن و غیره می‌شود و همه

علم و دانش نیست».

روزی حضرت امام حسن مجتبی (ع) فرزندان خود را به همراه فرزندان برادر به نزد خویش فرا خواند و به آنان فرمود: *إِنَّكُمْ صِغَارٌ قَوْمٌ وَ يُوْشِكُ أَنْ تَكُونُوا كِبَارَ قَوْمٍ آخِرِينَ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَمَنْ يَسْتَطِيعَ مِنْكُمْ أَنْ يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتُبْهُ وَ لِيَضَعَهُ فِي بَيْتِهِ* (همان:

۱۱۰/۱). «شما کودکان جامعه امروزید و بزودی بزرگان جامعه فردا خواهید شد، پس دانش بیاموزید [و در کسب علم بکوشید] و هریک از شما که حافظه قوی ندارد [و نمی تواند در کلاس درس مطالب استاد را حفظ کند]، پس مطالب را بنویسد و نوشته ها را در خانه نگه دارد [تا در موقع لزوم به آن مراجعه کند و از آنها بهره گیرد]».

از روایات فوق و روایات دیگر استفاده می شود که علم آموزی به فرزندان از نمود های نقش تربیتی و آموزشی والدین است و بایستی این وظیفه را انجام دهند.

کسب دانش و تحصیل علم، از مهم ترین و زیاترین عنصرهای تکامل و پیشرفت انسان در هر دوره حیاتی است. دانش، مایه کسب جایگاه اجتماعی و مقبولیت اجتماعی است، همچنین باعث حفظ دین و نغلتیدن در انحرافات فکری و شبهات عقیدتی است. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: *يَا مَعْشَرَ الْفِتْيَانِ حَصَّنُوا أَعْرَاضَكُمْ بِالْأَدَبِ وَ دِينَكُمْ بِالْعِلْمِ* (یعقوبی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۳۳). «ای جوانان! آبرو و شخصیت خود را با حفظ ادب، و دین خود را به وسیله دانش نگهدارید».

علم و تحصیل گرچه عاملی در پیشرفت مادی و زندگی دنیایی است، ولی دانش، ارزشی ذاتی دارد و اگر به نحوه درست آموخته شود، باعث روشنی اندیشه و پویایی فکر و باعث شناخت فضایل اخلاقی و ارزش های انسانی است. قرآن کریم در یک مقایسه زیبا می فرماید: *هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ* (زمر: ۹). «آیا

غربی، نیاز به احترام را از نیازهای اساسی شمرده و می گوید: ارضای نیاز به احترام و محبوبیت، به احساسات مثبتی از قبیل اعتماد به نفس، ارزشمندی، قدرت، لیاقت و شایستگی، مفید و پر ثمر بودن، منجر خواهد شد (مزلو، ۱۳۷۶: ۸۲).

(و) آموزش خواندن و نوشتن

از دیگر حقوقی که فرزند بر پدر دارد، بهره مند شدن از نعمت خواندن و نوشتن است. برای ادای این وظیفه، پدر باید یا خود شخصاً بدین کار اقدام کند و یا هزینه ای صرف آموزش فرزند خود کند.

در روایاتی که در این زمینه وارد شده از خواندن و نوشتن به عنوان حق و تکلیف یاد شده است. پیامبر بزرگوار اسلام (ص) می فرماید: *مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ ثَلَاثَةٌ يَحْسَنُ اسْمَهُ وَ يَعْلَمُهُ الْكِتَابَةَ وَ يَزُوْجُهُ إِذَا بَلَغَ* (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۲۰۰/۱۵) «سه حق از حقوقی که فرزند به گردن پدر دارد این است که نام خوبی برایش انتخاب کند، نوشتن یادش دهد و پس از بلوغ زمینه ازدواج او را فراهم کند».

در روایات دیگر به این هم اکتفا نشده بلکه از پدران خواسته شده که فرزندان خویش را به علم آموزی و دانش اندوزی وادار کنند.

امیرمؤمنان (ع) فرمود: *مَرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ* (هندی، ۱۴۰۹: ۱۶/ ۵۸۴) «فرزندانتان را به طلب دانش برانگیزید».

امام صادق (ع) می فرماید: *كَانَ فِيمَا وَ عَظَّمَ لُقْمَانُ ابْنَهُ أَنَّهُ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ اجْعَلْ فِي أَيَّامِكَ وَ لَيَالِيكَ وَ سَاعَاتِكَ نَصِيْبًا لَكَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّكَ لَنْ تَجِدَ لَهُ تَضِيْعًا مِثْلَ تَرْكِهِ*؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳/ ۴۱۵). «فرزندم! در روزها و شبها و ساعات سهمی قرار ده که در آن علم و دانش بجویی زیرا هیچ از دست داده ای همانند از دست رفتن

است که در صورت تحقق آن‌ها در وجود افراد، نظام اجتماعی از ثمرات مفید آن یعنی تعادل، روابط پایدار، محبت متقابل، نظارت و مراقبت اجتماعی و... بهره‌مند می‌شود.

عفو و بخشش، ترحم و دلسوزی، رعایت حقوق دیگران، جرأت و شهامت داشتن، ایثار و گذشت، مشورت کردن، تعاون و همکاری و... جزو اصول تربیت اجتماعی است که اسلام بدان سفارش کرده است و بی‌تردید خانواده اولین نهادی است که این اصول در آن تجربه می‌شود و کودکان و نوجوانان با مشاهده رفتارهای اعضای خانواده آن‌ها را می‌آموزند. به همین دلیل از نظر اسلام، خانه‌ای محبوب و مطلوب است که والدین محیط آن را محیطی الهی سازند و با رعایت انصاف و عدالت در میان فرزندان، (اغْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْدِلُوا بَيْنَكُمْ، مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۱۳/۲۳) ترحم و دلسوزی نسبت به کودکان، احترام به بزرگان و سالمندان، (وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ؛ حر عاملی، ۱۰: ۱۴۱۲/۳۱۳) تعاون و همکاری در انجام امور خانه، عفو و گذشت نسبت به خطا و اشتباه اعضای خانواده، و... را توصیه نموده است.

ح) آموزش آداب غذا خوردن

آداب اجتماعی که در آموزه‌های دینی مورد تاکید است، بسیاریند. آداب سلام کردن، آداب اجازه گرفتن برای ورود، آداب مجالست، آداب سخن گفتن، آداب شوخی، آداب عیادت بیمار، آداب تسلیت گفتن، آداب عطسه کردن، آداب غذا خوردن... (رک، بهشتی، اسلام و تربیت کودکان، ۱۳۹۰: ۲۷۵ تا ۳۳۳). آداب غذا خوردن به دلیل گستره و عمومیتی که دارد و به دلیل آثار

کسانی که از علم و دانش بهره‌ای دارند، با کسانی که جاهل هستند برابرند؟! یعنی برابر نیستند.

روان‌شناسان اعتقاد دارند که نیاز به دانستن و فهمیدن، بخشی از طبیعت انسان است. مزلو در این باره می‌گوید: اگرچه نیاز به دانستن و فهمیدن بخشی از سلسله مراتب اصلی نیازها نیستند، ولی به عنوان نیازهای فطری انسان مطرح اند که ما را به طرف ارضای سوق می‌دهند. (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

ز) تربیت اجتماعی

یکی از ابعاد وجودی انسان، اجتماعی بودن اوست که در مقام تربیت باید بدان توجه شود. به همین خاطر یکی از وظایف والدین و همسران و مربیان در تربیت فرزندان و نسل آینده، توجه به رشد اجتماعی و اجتماعی شدن آنان و رعایت اخلاق اجتماعی است تا استعدادها و توانایی‌های فرزندان در عرصه حیات اجتماعی شکوفا شود و بتوانند به صورت فعال و موفق در زندگی جمعی حضور یابند. به تعبیر دیگر اجتماعی تربیت شدن یکی از حقوق فرزندان است.

تجربه بشری در زندگی اجتماعی نشان می‌دهد که سلامت نظام اجتماعی و ثبات و پایداری آن به توانایی و آمادگی و سلامت افراد آن جامعه بستگی دارد. اسلام به عنوان یک دین جامع‌نگر که به تمام جنبه‌های حیات انسان توجه دارد، به تربیت اجتماعی انسان نیز توجه خاص مبذول داشته، برای تربیت انسان‌هایی منضبط و دارای توازن روحی و تعادل اخلاقی و خردورز که در عرصه حیات جمعی به صورت واقع‌نگر حضور یابند، دستورهای ارائه کرده است.

دین اسلام پایه‌های تربیت را در درون و خمیره افراد بنیان گذارده و آنان را به رعایت اصولی سفارش کرده

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَا عَلِيُّ إِنَّ الْوُضُوءَ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ شِفَاءٌ فِي الْجَسَدِ وَيُمْنٌ فِي الرِّزْقِ (همان)؛ «پیامبر گرامی اسلام فرمودند یا علی بدرستی که وضو گرفتن قبل از غذا و بعد از غذا باعث سلامتی در بدن و برکت رزق است.»

ظاهراً مقصود از وضو معنای لغوی است نه معنای اصطلاحی و بنابراین، منظور شستن دست قبل از غذا و شستن دست و دهان بعد از غذا است. البته اگر مقصود معنای اصطلاحی وضو هم باشد، باز هم شستشوی دست و دهان حاصل می شود.

سوم؛ در ابتدای غذا کمی نمک خوردن: پیامبر گرامی اسلام فرمودند:

افْتَتِحُوا بِالْمِلْحِ فَإِنَّهُ دَوَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۳). «غذا خوردن را با نمک شروع کنید زیرا این کار دواي هفتاد درد است.»

از نظر علمی ثابت شده که دهان مرکز میکروب های متعدد است و نمک از چیزهایی است که خاصیت ضد عفونی کننده دارد.

چهارم؛ با آرامش و تانی غذا خوردن:

عَنِ الصَّادِقِ (ع): أَطِيلُوا الْجُلُوسَ عَلَى الْمَوَائِدِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ لَأَتْخَسِبُ مِنْ أَعْمَارِكُمْ (همان: ۶۳/ ۴۱۱). «غذا خوردن را طولانی کنید و با آرامش غذا بخورید بدرستی که این لحظه ها از عمرتان به حساب نمی آید.»

با عجله و تشویش غذا خوردن باعث می شود که از طرفی غذا خوب جویده نشود و از طرف دیگر باعث ترشح موادی در آن حالت (تشوش) بشود که آثار تخریبی در بدن ایجاد می کند (گراهام، ۱۳۸۰: ۸۲).

پنجم؛ به هنگام گرسنه بودن غذا بخوریم و تا کاملاً سیر نشده از غذا دست برداریم. اصبع بن نباته می گوید: امیر مؤمنان (ع) به فرزند خود امام حسن مجتبی (ع) فرمود: أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ: لَا تَجْلِسَ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ جَائِعٌ وَلَا تَقُمْ

بهداشتی و تربیتی و روان شناختی بسیاری که بر آن مترتب است، مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

در باب غذا خوردن آداب و سنت هایی هست، که گوشه ای از تعلیمات اسلامی است و شایسته است که در درجه اول، خودمان به آن ها ملتزم باشیم و فرزندانمان را نیز با آن ها آشنا سازیم. از جمله این آداب اسلامی آن است که قبل از نشستن بر سر سفره دست ها را بشوییم، به هنگام نشستن چهار زانو بنشینیم، ایستاده غذا نخوریم، ابتدا بسم الله بگوییم، قبل از غذا و بعد از آن وضو بگیریم، در حال تکیه زدن غذا نخوریم، لقمه ها را کوچک برداریم، غذا را کامل بجویم، هنگام غذا خوردن به دهان کسی نگاه نکنیم، از جلوی کسی نان یا غذا برنداریم، پر خوری نکنیم، قبل از سیر شدن دست از غذا بکشیم، بعد از غذا حمد الهی را به جای آوریم و... اکنون به برخی از روایات مربوط به این آداب اشاره می کنیم.

اول؛ یاد خدا سپس صرف غذا: مسمع از امام صادق (ع) و او از پیامبر (ص) نقل می کند که فرمود: مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْمَعُ عِيَالَهُ وَيَضَعُ مَائِدَةً بَيْنَ يَدَيْهِ وَيَسْمَى وَيُسْمُونَ فِي أَوَّلِ الطَّعَامِ وَيَحْمَدُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي آخِرِهِ فَتَرْتَبِعَ الْمَائِدَةَ حَتَّى يُعْفَرَ لَهُمْ (کلینی، ۱۳۶۷: ۱۶/ ۲۹۶). «مردی که خانواده خود را هنگام غذا خوردن بر گرد سفره می نشاند و غذایی پیش روی خود می گذارد و در آغاز غذا خوردن نام خدا را می برد و آنان هم خدا را یاد می کنند و در آخر نیز خدا را حمد و سپاس می گویند، چون سفره جمع شود، مشمول آمرزش و غفران الهی قرار گیرند.»

دوم؛ شستن دست و صورت قبل و بعد از غذا: امام صادق فرمود:

مَنْ غَسَلَ يَدَهُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ عَاشَ فِي سَعَةٍ وَعُوفِيَ مِنْ بَلْوَى جَسَدِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۳/ ۶۳۵). «هرکس دستش را قبل از غذا و بعد از آن بشوید از رزق فراوان برخوردار شود و از بیماری جسمی در امان باشد.»

عَنْ الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ وَجَوْدَ الْمَضْغِ وَإِذَا نِمْتَ فَأَعْرَضَ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱۱/۶۲). «فرزندم! آیا به تو چهار چیز یاد ندهم که با عمل به آنها از دارو و درمان بی‌نیاز شوی؟ امام حسن (ع) پاسخ داد: چرا. علی (ع) فرمود: هیچ گاه بر سر سفره غذا منشین مگر آن که گرسنه باشی و از سر سفره غذا بلند مشو مگر آن که هنوز به غذا میل داشته باشی. و غذا را خوب بجو. و هرگاه خواستی بخوابی پیش از آن به دستشویی برو».

امام باقر (ع) فرمودند: قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَأْكُلُوا حَتَّى تَجُوعُوا، وَإِذَا جَعْتُمْ فَكُلُوا وَلَا تَشْبَعُوا، فَإِنَّكُمْ إِذَا شَبِعْتُمْ غَلَطْتُمْ رِقَابَكُمْ، وَسَمِنْتُمْ جُنُوبَكُمْ، وَنَسِيتُمْ رَبَّكُمْ؛ (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۲۴/۲۴۵)، آنقدر نخوری که سیر شوید و هر زمان گرسنه شدید غذا بخورید ولی نه آنقدر که سیر شوید. زیرا هنگامی که زیاد می‌خورید گردنتان کلفت و خشن می‌شود و پهلوهایتان چاق می‌گردد و خدایتان را فراموش می‌کنید.

ششم؛ پرهیز از پرخوری: لقمان حکیم به فرزند خود فرمود: يَا بُنَيَّ إِذَا اثْنَلَّتِ الْمِعْدَةُ نَامَتِ الْفِكْرَةُ وَ خَرَسَتِ الْحِكْمَةُ وَقَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ؛ (طبرسی، ۱۳۷۶: ۱۵۳). «فرزندم! چون معده از غذا پر شود، اندیشه فرو می‌خوابد و از کار می‌افتد و زبان حکمت گنگ می‌شود و اعضای بدن از عبادت باز می‌مانند».

أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ مَرَّ أَحْيَى عِيسَى (ع) بِمَدِينَةٍ وَفِيهَا رَجُلٌ وَأَمْرَأَةٌ يَتَصَايِحَانِ فَقَالَ مَا شَأْنُكُمَا قَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهُ هَذِهِ امْرَأَتِي وَكَيْسَ بِهَا بَأْسٌ صَالِحَةٌ وَلَكِنِّي أَحِبُّ فِرَاقَهَا قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ مَا شَأْنُهَا قَالَ هِيَ خَلَقَتْهُ الْوَجْهَ مِنْ غَيْرِ كَبِيرٍ قَالَ يَا امْرَأَةٌ أُتَجَبِّينَ أَنْ يُعُودَ مَاءٌ وَجْهَكَ طَرِيًّا قَالَتْ نَعَمْ قَالَ لَهَا إِذَا أَكَلْتِ فَإِيَّاكِ أَنْ تَشْبَعِينَ لِأَنَّ الطَّعَامَ إِذَا تَكَثَّرَ عَلَى الصَّدْرِ فَزَادَ فِي الْقَدْرِ ذَهَبَ مَاءُ الْوَجْهِ فَفَعَلْتِ ذَلِكَ فَعَادَ وَجْهَهَا طَرِيًّا (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۳۲۰). پیامبر گرامی اسلام

فرمودند: روزی برادرم عیسی (ع) از شهری عبور می‌کردند که دیدند زن و مردی با هم دعوا می‌کنند. حضرت عیسی (ع) پرسید چرا دعوا می‌کنید؟ شوهر آن زن گفت: این زن من است و هیچ مشکلی با او نداریم، زن پاکدامنی است ولی در عین حال می‌خواهم از او جدا شوم. حضرت فرمود مشکلتش چیست؟ آن مرد گفت: نمی‌دانم با این که سن زیادی ندارد ولی صورتش چروکیده و پیر شده و از قیافه افتاده است. حضرت به آن زن فرمود: آیا دوست داری صورتی جوان و با طراوت داشته باشی؟ آن زن گفت آری. حضرت فرمود: هنگامی که غذا می‌خوری از پرخوری دوری کن، چون هنگامی که غذا بیش از اندازه وارد معده شود، طراوت و آب صورت را می‌برد. آن زن به این توصیه عمل کرد و صورتش با طراوت گردید.

حضرت علی (ع) فرمودند: کثیر الطعام تمیت القلب کما تمیت کثیر الماء الزرع (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۲۰/۳۲۵)، پرخوری قلب را می‌میراند چنانچه آب زیاد موجب نابودی مزرعه می‌شود.

پرخوری افزون بر ضرر جسمی و معنوی، موجب اختلال خواب و کاهش اعتبار اجتماعی می‌شود. لقمان حکیم در نصیحتی به فرزندش فرمود: پسر جان! از پرخوری پرهیز زیرا پرخوری باعث اختلال در خواب و هراس شبانه می‌شود و در روز نیز موجب ذلت و نکوهش است. (ابونعیم، ۱۴۰۷: ۶/۸۴).

هفتم؛ در بین غذا آب نخوردن: نوشیدن آب در بین غذا از زیان آورترین کارهاست، زیرا آب به راحتی فرو می‌رود و طعام را نیز قبل از اینکه از راه طبیعی هضم شود با خود به معده می‌برد و در نتیجه سبب تعفن و انسداد و نفخ می‌گردد (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۳۸۶). پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

این کار باعث سلامتی است و خوردن میوه های فصول دیگر سال (یا خوردن آن در موقع تمام شدن آن میوه در اواخر فصل) موجب بیماری می شود.

دهم؛ پرهیز از خوردن غذای داغ و پرهیز از دمیدن در غذا: دمیدن در غذا از ارزش غذایی آن می کاهد قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الْغَدَاةُ فِي الطَّعَامِ يَذْهَبُ بِالْبَرَكَهَةِ» (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱۴۵). و موجب حرکت دادن میکروب های هوای به سوی غذا می شود (ام. رابین دیماتو ۱۳۷۸: ۱ / ۳۸۱). همچنین در آموزه های دینی توصیه شده که افراد از خوردن غذا یا نوشیدنی داغ اجتناب نمایند و صبر کنند تا اندکی خنک شود. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «بَرِّدِ الطَّعَامَ فَإِنَّ الْحَارَّ لَبَرَكَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰ / ۲۶۱). «غذا را خنک کنید و میل نمایید بدرستی که در غذای داغ برکت و خیری نیست».

ط) آماده کردن فرزند در برابر افکار انحرافی و آشنایی با معارف توحیدی

یکی دیگر از سفارش های مهم اهل بیت (ع)، تسریع در امر آموزش احادیث و علوم اهل بیت (ع) به فرزندان است تا در سنین جوانی آمادگی لازم برای رویارویی و مقابله با افکار انحرافی و الحادی را داشته باشند و با درک درست و روشن و عمیقی که از معارف اسلامی پیدا می کنند هرگز تحت تأثیر این گونه اندیشه ها قرار نگیرند.

امام صادق (ع) فرمودند: «بَادِرُوا أَخْدَانَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۷ / ۳۳۱). «روایات اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی، تسریع نمایید، پیش از آن که دشمنان گمراه بر شما پیشی گیرند و افکار نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند». علی (ع) می فرمایند: «وَاعْلَمُوا يَا بَنِيَّ أَنَّهُ لَوْ كَانَ

وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُؤْذِيَهُ مَعِدَتُهُ فَلَا يَشْرَبُ بَيْنَ طَعَامِهِ مَاءً حَتَّى يَفْرُغَ وَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ رَطَبَ بَدَنُهُ وَضَعْفَتْ مَعِدَتُهُ وَلَمْ يَأْخُذِ الْعُرُوقُ قُوَّةَ الطَّعَامِ فَإِنَّهُ يَصِيرُ فِي الْمَعِدَةِ فِجَا إِذَا صَبَّ الْمَاءُ عَلَى الطَّعَامِ أَوْلاً فَأَوْلُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹ / ۳۲۳). «هر کس مایل است از ناراحتی معده در امان باشد بین غذا خوردن آب ننوشد تا از غذا فارغ شود؛ هر کس این کار (آب خوردن در بین غذا) را انجام دهد معده اش ضعیف و مرطوب شده به طوری که رگهای معده نمی توانند انرژی غذا را دریافت کنند؛ وقتی به طور مرتب روی غذا آب ریخته می شود در معده فراخی و گشایش ایجاد می گردد».

هشتم؛ تا مضمضه نکردیم آب ننوشیم: حضرت امام رضا (ع) از پدر و اجدادش چنین روایت می کند: «إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) يَقُولُ: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَأْمُرُنَا إِذَا تَخَلَّلْنَا أَنْ لَا نَشْرَبَ الْمَاءَ حَتَّى نَتَمَضَّمَضَ ثَلَاثًا» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۵۷ / ۲۷). «امام حسین (ع) فرمود: پدرم امیرمؤمنان به ما دستور می داد که: هرگاه مسواک کردیم، آب ننوشیم مگر آنکه اول سه بار مضمضه کنیم (آب را در دهان بچرخانیم و دور بریزیم)».

همچنین پیامبر گرامی (ص) فرمودند: «لَا تَشْرَبُوا وَاحِدًا كَشْرَبِ الْبَعِيرِ وَلَكِنْ اشْرَبُوا مَنًى وَثَلَاثَ وَسَمُوا إِذَا أَنْتُمْ شَرَبْتُمْ وَاحْمَدُوا إِذَا أَنْتُمْ رَفَعْتُمْ» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۷ / ۱۱). «آب را مثل شتر به یک نفس نخورید بلکه دو یا سه بار بخورید. هنگام نوشیدن نام خدا را ببرید و هنگام تمام شدن حمد الهی بگویید».

نهم؛ خوردن میوه های هر فصل در همان فصل: وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَيَكُمْ بِالْفَوَاكِهِ فِي إِقْبَالِهَا فَإِنَّهَا مَصْحَةٌ لِلْأَبْدَانِ مَطْرَدَةٌ لِلْأَخْزَانِ وَالْفَوْهَا فِي إِدْبَارِهَا فَإِنَّهَا دَاءٌ الْأَبْدَانِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹ / ۲۶۹). «بر شما باد بر استفاده کردن از میوه ها در فصل خودش بدرستی که

ی) آموزش نماز

آشنا کردن فرزندان با معارف دینی به خصوص نماز مورد تاکید آموزه های دینی است. به طوری که علاوه بر آموزش نماز به آنان، توصیه شده فرزندان را وادار به انجام این فریضه دینی بنمایید.

از پیامبر بزرگوار اسلام روایت شده که فرمود: **أَدَبُ صِغَارِ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالطَّهْوَرِ فَإِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سِنِينَ فَاضْرِبْ وَلَا تُجَاوِزْ ثَلَاثًا؛** (ابی الحسین ورام: ۳۵۸). «فرزندان خود را با زبان بر نماز و وضو عادت دهید، و اگر به سن ده سالگی رسیدند آنها را برای واداشتن به نماز بزیند ولی از سه ضربه تجاوز نکنید».

معاویه بن وهب گوید: از امام صادق پرسیدم: **فِي كَمْ يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ فِيمَا بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَسِتِّ سِنِينَ؛** (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۲/۳). «در چه سالی کودک را وادار به نماز می کنند؟ امام فرمود: بین شش و هفت سالگی».

روایات زیادی (در حدود سی روایت) از معصومین (ع) نقل شده که فرزندان خود را به نماز وادار کنید ولی اینکه مشخصاً در چه سنی کودک را وادار به نماز کنند در روایات اختلاف است. سالهایی که بدین منظور در روایات ذکر شده به طور متفاوت. از سن شش تا سیزده سالگی است، که از مجموع روایات و جمع بندی آن می توان گفت: والدین وظیفه دارند که قبل از بلوغ فرزند با شیوه های مختلف تربیتی او را به خواندن نماز وادارند و دست آخر اگر احیاناً در خواندن نماز سستی و بی اعتنائی کرد می توانند او را تنبیه کنند (در حد معقول).

سین قبل از بلوغ، از هفت تا ۱۵ سالگی در پسران و تا نه سالگی در دختران را شامل می شود و نمی توان دقیقاً مشخص کرد که در چه سنی باید کودک را اگر چه با تنبیه، به نماز واداشت (داودی: ۲۰/۲ تا ۱۲۰).

إِلَهُ آخَرَ لَأَتَتَكَ رُسُلُهُ وَ لَرَأَيْتَ آثَارَ مَمْلَكَةٍ هَوَسَاطَانِهِ وَ لَعَرَفْتَ صِفَتَهُ وَ فِعَالَهُ وَ لَكِنَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ لَا يُضَادُّهُ فِي ذَلِكَ أَحَدٌ وَ لَا يُحَاجُّهُ وَ أَنَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ أَنَّهُ أَجَلٌ مِنْ أَنْ يُثَبَّتَ لِرَبُّوبِيَّتِهِ بِالْإِحَاطَةِ قَلْبٌ أَوْ بَصَرٌ وَ إِذَا أَنْتَ عَرَفْتَ ذَلِكَ فَافْعَلْ كَمَا يَنْبَغِي لِمِثْلِكَ فِي صِغَرِ خَطَرِكَ وَ قِلَّةِ مَقْدَرَتِكَ وَ عِظَمِ حَاجَتِكَ إِلَيْهِ أَنْ يَفْعَلَ مِثْلَهُ فِي طَلَبِ طَاعَتِهِ وَ الرَّهْبَةِ لَهُ وَ الشَّفَقَةِ مِنْ سَخَطِهِ فَإِنَّهُ لَمْ يَأْمُرْكَ إِلَّا بِحَسَنِ وَ لَمْ يَنْهَكَ إِلَّا عَنْ قَبِيحٍ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۷۴). «فرزندم! بدان اگر خدای دیگری بود، هر آینه سفیران و پیامبران می آمدند و آثار حکومت و قدرتش را می دیدی، و ویژگی و کارهای او را می شناختی ولی او معبودی یگانه است، همان گونه که خود را ستوده است. نه ضدی دارد و نه کسی است که با حضرتش محاجه کند. آفریننده همه چیز، اوست و او والاتر از این است که پروردگارش در دل و دیده ای بگنجد و هرگاه این حقیقت را دانستی پس چنان عمل کن که از چون تویی سزاوار است که منزلت اندک و بی مقدار است و توانایی ات کم و نیازت به خداوند عظیم است، پس شایسته است که به دنبال پیروی از او باشی و از عقوبت و خشمش ترسان و نگران باشی که خدا جز به نیکوکاری فرمان نداده و جز از زشتکاری نهی ننموده است».

در این دو روایت که از دو انسان معصوم و حجت الهی نقل شده، علاوه بر توصیه و تاکید بر آگاه کردن فرزندان با مفاهیم دینی و آسیب های اعتقادی و فرهنگی، نمونه ای از آموزش باورهای اعتقادی را نیز مطرح فرموده اند. این مهم یعنی آشنا کردن فرزندان با مسایل اعتقادی و دینی در عصر حاضر که هجمه های سنگینی به مبانی اعتقادی اسلام و به ویژه شیعه گردیده، (مخصوصاً با توجه به ترویج عرفان های کاذب و شیطانی) ضرورتی مضاعف پیدا می کند.

ک) آموزش قرآن

قرآن آخرین کتاب آسمانی است که تمام قوانین هدایت و سعادت انسان‌ها را در بر دارد. قرآن سفره گسترده و غذای آسمانی و گنجینه حقایق و اسرار الهی است، قرآن بهار دل‌های خزان‌زده و مایه طراوت اندیشه‌های افسرده و راکد است. قرآن شفای دل‌ها و ریسمان الهی است. و هرکس به آن چنگ زند نجات یابد و هرکس آن را رها کند هلاک گردد.

قرآن هدایتگر جهانیان است و تضمین‌کننده سعادت پیروان آن، تلاوت قرآن کلید ارتباط با حق است، و تدبر در آیات آن سبب بیداری دل‌ها و شکوفایی مغزهاست.

حضرت امام رضا(ع) می‌فرماید:

الْقُرْآنَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَطَرِيقَتُهُ الْمَثَلَى الْمُؤَدَّى إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمُنْجَى مِنَ النَّارِ لَا يَخْلُقُ مِنَ الْأَزْمِنَةِ وَلَا يَغِيثُ عَلَى الْأَلْسِنَةِ لِأَنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ لِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ بَلْ جُعِلَ دَلِيلَ الْبُرْهَانِ وَحُجَّةً عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۸۹). «قرآن ریسمان محکم خداست، وسیله اطمینان‌بخش و راه مستقیم اوست، راهی است که به بهشت منتهی می‌شود و سبب نجات و رهایی از آتش دوزخ است و قرآن با گذشت زمان کهنه و فرسوده نمی‌شود و بحث و گفت‌وگو از آن سبب کاستی آن نمی‌گردد، زیرا که به زمان معینی اختصاص ندارد...».

از این رو رسول خدا(ص) بسیار به قرآن اهتمام می‌ورزید و خلق و خویش تجلی معارف قرآن بود. ائمه طاهریں(ع) نیز علاوه بر این که خود به قرآن عنایت بسیار داشتند، فرزندان خود را به قرائت، حفظ و آموزش قرآن و عمل به آن تشویق و توصیه می‌کردند، و آموزش قرآن را یکی از حقوق مسلم فرزندان بر گردن والدین می‌دانستند.

امیرمؤمنان(ع) فرزندش امام حسن(ع) را این چنین به قرآن سفارش کرد: اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ فَلَا يَسْبِقُكُمْ إِلَيَّ الْعَمَّ بِهِ غَيْرُكُمْ؛ (حرانی، ۱۳۶۳: ۱۹۴). «خدا را خدا را درباره قرآن، مبدا دیگران در فهم قرآن بر شما پیشی بگیرند».

آموزش این کتاب آسمانی، از حقوق مسلم فرزندان است که پدران باید از عهده آن برآیند، و آنان را با قرآن آشنا سازند بدین معنی که یا خود قرآن را به آنان بیاموزند یا برای آنان معلم بگیرند. رسول خدا(ص) فرمود: حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ... وَ يُعَلِّمَهُ كِتَابَ (هندی، ۱۴۰۹: ۱۶/۴۱۷). «حق فرزند بر پدر آن است که به او قرآن بیاموزد».

امام صادق(ع) فرمود: عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ يَسْ فَاِنَّهَا رِيْحَانَةُ الْقُرْآنِ (طوسی، ۱۳۱۳ق: ۲/۲۹۰؛ نوری، ۴/۳۲۵). «به فرزندانان سوره یس بیاموزید زیرا این سوره، گل [باغ] قرآن است». البته پر واضح است که مراد از آموزش قرآن، فقط قرائت نیست بلکه علاوه بر قرائت، آشنایی با مفاهیم قرآن است.

نکته ای که در پایان این بحث باید بیان کنیم این است که همسران و والدین علاوه بر نقش آموزشی و تربیتی که دارند باید تلاش کنند خودشان نیز التزام جدی به این توصیه های تربیتی داشته باشند تا از طریق یادگیری مشاهده ای تاثیر ماندگاری داشته باشند.

«یادگیری اجتماعی» (Observational Learning) نظریه عامی است که در تبیین رفتارهای گوناگون، از جمله رفتارهای ناظر به نقش های جنسیتی به کار رفته است. آلبرت باندورا (Albert Bandura) در توضیح این نظریه می‌گوید: کودک از دو راه عمده، رفتارهای اجتماعی و تربیتی و نقش های جنسیتی را می‌آموزد: نخست، از راه آموزش مستقیم، یا به تعبیر دیگر، شرطی سازی به کمک عوامل تقویت کننده، که طی آن کودک با پاداش و تنبیهی که دریافت می‌کند، به

رفتارهای جنسیتی شرطی شده، آن‌ها را فرا می‌گیرد؛ دوم، از راه تقلید که گاه از آن با عناوین همانندسازی یا سرمشق‌گیری یاد می‌شود و طی آن رفتارهای جنسیتی توسط والدین و دیگر عوامل جامعه‌پذیری (اعضای بزرگ‌تر خانواده، دیگر بزرگسالان، آموزگاران، گروه همسالان و رسانه‌های گروهی) الگوسازی می‌شوند و کودک از این الگوها تقلید و پیروی می‌کند (داسک، ۱۹۸۷: ۱۲۸).

همچنین این نکته قابل توجه و دقت است که والدین برای تحقق نقش تربیتی، به فضاهای آموزش رسمی اکتفا نکنند و لازم است خودشان نیز وقت کافی برای این امر اختصاص بدهند و حتی فرزندان را به مربیان زبده و متعهد بسپارند.

نتیجه

از تتبع و دقتی که در آموزه‌های دینی گردید این نتیجه حاصل شد که برخی از وظایف تربیتی از اهمیت بیشتری برخوردارند و مبنایی برای سایر عرصه‌های تربیتی هستند. برخورداری از نام نیک، تربیت اجتماعی صحیح، التزام به یادگیری واجبات به خصوص نماز، بهره‌مندی از توصیه‌های بهداشتی و تربیتی، می‌تواند باعث رشد و بالندگی اجتماعی و معنوی شده و از سلامتی و تندرستی نیز برخوردار باشند. وقتی فرزندان در سایه توصیه‌های اخلاقی بیان شده تربیت شوند، در جامعه نیز از منزلت و جایگاه ارزشمندی برخوردار خواهند بود و معمولاً مورد تکریم افراد قرار خواهند گرفت. زیرا در هر جامعه‌ای نسبت به افراد با ادب و با اخلاق و دیندار، احترام خاصی قایلند و آنان را تکریم می‌کنند. افرادی که از تربیتی دینی و اخلاقی برخوردار باشند، در محضر الهی نیز منزلت و جایگاه ارزشمندی خواهند داشت.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
 آذربایجانی، مسعود و همکاران. (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ابن ابی الحدید. (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 الأمدی التمیمی، عبدالواحد. (۱۴۰۷ق). غرر الحکم و درر الکلم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۹). مترجم، حمیدرضا مستفید و همکاران، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۶۳). قانون در طب، مترجم، عبدالرحمن شرفکندی، تهران: سروش.
 استنهاوس، گلن. (۱۳۷۹). اعتماد به نفس، ترجمه: ناهید آزادمنش، تهران: کتاب‌های دانه.
 ام. رابین دماثو. (۱۳۷۸). روان‌شناسی سلامت، ترجمه محمد کاویانی و همکاران، تهران: سمت.
 الامیر الزاهد ابی الحسین ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (معروف بمجموعه وارم)، تهران: دار الکتب الاسلامیه [بی‌تا].
 بهشتی، احمد. (۱۳۹۰). اسلام و تربیت کودک، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
 چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۳۸۹). خانواده، اسلام و فمینیسم، قم: موسسه امام خمینی (ره).
 الحر العاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲ق). وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
 الحرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل رسول، قم: النشر الاسلامی.
 خوانساری، محمد بن حسین. (۱۳۷۳). شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ.

نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸). *مستدرک الوسایل*، بیروت: مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث.
هندی، حسام‌الدین. (۱۴۰۹). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت: مؤسسه الرساله
یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۷۸). *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۲). *در آمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی*، ج ۱، تهران: سمت.

Dusek, Jerome B (۱۹۸۷). *Adolescent, evelopment and Behavior, Englewood cliffs and New Jersey: prentice-Hall.*

داودی، محمد وسید علی حسینی زاده. (۱۳۹۱). *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

داودی، محمد. (۱۳۸۴). *تربیت دینی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سالاری فر، محمد رضا و همکاران. (۱۳۸۹). *بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی*، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سیریز، ویلیام. (۱۳۶۹). *مادر و پرورش فرزند*، ترجمه پروین فرهادی، تهران: کتاب ماد.

ابونعیم، احمد بن عبدالله. (۱۴۰۷). *حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، قاهره: دارالکتب العربی، دارالیان للتراث.

طبرسی، الحسن بن الفضل. (۱۴۰۸). *مکارم الاخلاق*، تهران: دار الحوراء.

طبرسی، رضی‌الدین ابی‌نصر الحسن بن الفضل. (۱۳۷۶ ق). *مکارم الاخلاق*، تهران: دارالکتب الاسلامی.

طوسی، محمد بن حسن. (ق ۱۳۱۳). *امالی*، تهران: نشر سنگی.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۷). *فروع الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کاپلان، پاول اس. (۱۳۸۰). *روان‌شناسی رشد* (سفر پرماجرایی کودک)، ترجمه مهرداد فروز بخت، تهران: رسا.

ماسن، پاول هنری. (۱۳۶۸). *شخصیت کودک*، ترجمه مهشید یاسایی تهران: نشر مرکز.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مزلو، آبراهام. (۱۳۷۶). *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.

منصور، محمود. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی ژنتیک*، تهران: سمت.

